

## مقدمه

برای اینکه بدانیم اخلاق چیست و چه هدفی را دنبال می کند، مقدمه ای کوتاه لازم است. انسان شاهکار آفرینش و خلقت خدای تبارک و تعالی است و خداوند همه ممکنات از نباتات (درختهای گوناگون، میوه های لذیذ، گلهای زیبا و...) و

حیوانات گرفته، تا جمادات و اجسام مرئی و نامرئی را برای او و خدمت به او آفریده است.

این انسان، از جنبه های مادی با سایر جانوران و حیوانات مشترک است، یعنی آنچه را که برای یک موجود زنده از علایم حیات لازم است (از قبیل: تغذیه - تنفس - تولید مثل و...) داراست، اما علاوه بر

آن دارای جنبه دیگری هم هست که او را از سایر جانوران متمایز می سازد و آن، جنبه روحی و روانی است و در حقیقت انسانیت آدم جز به این جنبه، به چیز دیگری نیست، چرا که در جنبه مادی، او صفت حیوانی است اما خداوند از این همه خلقت، بنابر استناد به (آیه ۵۶ سوره ذاریات) جز تکامل

بعد معنوی انسان هدفی نداشته است. حال اگر انسان بخواهد، به کمال و به عبارت صحیح تر، همه همت

خود را در این بعد مادی قرار دهد، نه تنها به حیوانات میماند

، که مراتب پائین تر از آنها خواهد بود. پس تنها را سعادت انسان در کمال و تعالی او در بعد روانی

و جنبه معنوی او است، و آنچه ما را در این راه کمک میکند و به ما نشان میدهد چه راه و روشی را در

پیش بگیریم تا به این کمال نائل گردیم.

اگر انسان بخواهد به اخلاق پسندیده متخلق شود بایستی ابتدا خانه دل و جان را از رذائل اخلاقی بزدايد، سپس به فضائل اخلاقی دست یابد (همانگونه که یک پارچه کثیف ابتدا باید پاک شود و سپس به پاک کردن شئی پردازد).

یکی از مباحث مهم اسلامی که در قرآن مجید بسیار بر آن تکیه کرده و آیات بسیاری درباره آن نازل فرموده است، اخلاق است.

انسان کامل آن است که همه جهات وجودی او کامل باشد و چون انسان از سه قسم تشکیل یافته است: ۱- عقل و تفکر ۲- قلب و عواطف و احساسات و ۳- جسم و پیکر و مادی که این سه قسمت کمال انسان را تشکیل می دهد.

آنچه فکر انسان را را تکامل می بخشد و می پرورد، معرفت است و علم عبادت و حقایق اسلامی و ارتباط عقلی، با مبدا همه کمالات آفرینش یعنی ذات خداوند جهاندار ذو المنن و آنچه که عشق و عواطف و احساس و سجایای روحی انسان

را کمال بخشیده و رهبری میکند، علم اخلاق و تربیت نفوس است.

تحقیق حاضر، بازگو کننده نکات مثبت اخلاقی و بعضی از زشتی ها و رذائل اخلاقی و نیز کیفیت برخوردارهای گوناگون اجتماعی است، و برای خوانندگان عزیز

این امکان را فراهم می سازد، تا با آگاهی بیشتر در راه خود سازی و تهذیب نفس گام بردارد.

## «دعای آغازین»

**In the name of God.the compassionate.the merciful.**

به نام خداوند بخشنده مهربان.

**Oh allah. Bring me out of the darkness of sunderstanding.**

پروردگارا؛ خارج کن من را از تاریکی های فکر.

**And honour me with the light of understanding.**

و به نور فهم من را گرامی بدار.

**Oh allah. Open the gates of your mercy to us.**

پروردگارا؛ بر ما درهای رحمت را بگشای.

**And unfold us the treasury of your infinite knowledge**

و گنج های دانشت را بر ما بگستران.

**May your mercy be upon us. You are all-Mercy**

به امید تو ای مهربان ترین مهربانان.

## بر خورد با همسر

بر خلاف برخی تفکرات غلط و عوامانه و در حقیقت ظالمانه، در منطق اسلام زن برای مرد یک کنیز یا یک برده و یا کسی که کار منزل را انجام میدهد، و از بچه های شوهر نگهداری میکند نیست، بلکه به عنوان شریک شوهر و یار و همکار او در اداره امور زندگانی و تربیت فرزندان مطرح میباشد، لذا اسلام دستور فرموده که همسران باید از اذیت و بد زبانی و فحاشی به یکدیگر پرهیزند.

و نهایت مهربانی و صمیمیت و محبت و دوستی بر جمع آنان حاکم باشد. تا در کمال سلامت و دور از دغدغه خاطر زندگی کنند، و هم در سایه آن آرامش بتوانند فرزندانی

صالح و با تربیت پرورش دهند. زیرا عدم آرامش در خانه و احیاناً

خشونت ها و تند خوییها اثرات بد و نامطلوبی در روحیه و اخلاق فرزندان میگذارد.

در روایات اسلامی دستورات گویا روشن و صریحی در مورد رفتار و برخورد متقابل بین زن و شوهر وجود دارد، که ما برای جلوگیری از اطاله بحث به صورت فهرست وار به بعضی از آنها اشاره می

نمایم.

از فرمایشات حضرت محمد (ص):

\*- کسی که در کارهای زندگی به همسرش کمک نماید، خیر دنیا و آخرت را بدست می آورد.

\*- خدا از مردی که زن خود را آزار دهد، بیزار است.

\*- هر مرد وزنی که اخلاق بد همسرش را تحمل کند، و بر بد اخلاقی او صبر کند،

خداوند او را اجر و ثواب عنایت می فرماید.

\*- وای بر زنی که شوهرش را غضب کند.

\*- مرد بیشترین حقوق را بر گردن همسرش دارد.

امام پنجم (ع) از پیامبر پرسیدند: چرا مومن زن نگیرد، که شاید خداوند به او فرزندی دهد، که زمین را با

لا اله الا الله سنگین سازد و پیغمبر فرمودند: هر که ازدواج نماید، نصف دین خود را کامل کرده و برای

نصف دیگر تقوی پیشه کند.

از فرمایشات امام صادق (ع): ۱- هر زنی که لیوان آبی به شوهرش بدهد و به او خدمت کند، ثواب

بیش از یکسال عبات به او میدهند.

۲- ملعون است، زنی که شوهرش را اذیت کند و او را غمگین سازد.

۳- حق زن بر شوهرش این است که او را لباس و غذا دهد و از خطاهای او در گذرد.

طبق دستور اسلام زن باید مطیع اوامر شهرش باشد، و حتی بدون اجازه او از خانه

بیرون نرود، در مقابل نیز شوهر نباید نسبت به زن در امور زندگی سخت گیری کند و می بایست در

رفاه او و فراهم آوردن وسایل راحتی زندگی برای زن و فرزندان در حد توان بکوشد.

البته همانگونه که اشاره شد، سخن در این باب بسیار است که اکنون ما توانسته ایم

به گوشه ای از آنها اشاره بکنیم. حال به ادامه بحث در این رابطه می پردازیم.

امام ششم فرموده اند که زنها چهار نوع اند:

۱- ربیع مربع: آنهایند که یک فرزند در بغل و یکی در شکم دارند (یعنی ولود و بچه زاست)

۲- جامع مجمع (جامع خوبی ها): آنکه پر خیر پاکدامن باشد.

۳- کرب مقمع (بد اخلاق): آن که با شوهرش بد خواست.

۴- غل قمل (پوست خشکیده): زنی است که غل قمل را ماندو آن ریسمانی است از پوست که بر

گردن اسیر افکنند و چون خشک می شود، گردن را می خورد و می ساید و این مثلی است برای کسی

که جز نکبت و زیان چیز دیگری ندارد.

نکاتی مهم در رابطه بین زن و شوهر در محیط خانواده:

✓ - زن باید در مقابل شوهر خود هرگز با حالتی افسرده، پریشان و اخمو ظاهر نشود و سعی کند،

همیشه با لباس تمیز و روی خندان حاضر شود.

✓ - زن و شوهر معایبی را که در زندگی خود می بینند در نهایت خوش رویی

به همسر خود بگویند و در این صدد بر آیند، که آن مشکلات را با هم حل و فصل کنند.

✓ - زن بایستی، تمام زیبایی خود را به همسرش هدیه کند و همان طوری که در بیرون به ظاهر

خود اهمیت میدهد، در خانه نیز زیبا پوش باشد زیرا حضرت علی (ع) می فرمایند: جهاد زن آراستگی

اوست، برای شوهرش.

✓ - زن و شوهر باید پشتیبان یکدیگر باشند و در سختی ها به یکدیگر کمک کنند، نه اینکه در

حضور دیگران سعی در کوچک کردن یکدیگر نمایند و شخصیت هم را خرد کنند.

✓ - زن و شوهر نباید در مورد مسائل کوچک با یکدیگر مشاجره نمایند، زیرا ریشه تمام

اختلافات همین بحثها و لجبازی هاست و زن و شوهر باید در آرامش کامل نظر های یکدیگر را بپذیرند و به یکدیگر احترام بگذارند.

✓ - زن و شوهر هرگز نباید در حضور هم به خویشاوندان خود بی حرمتی نمایند، زیرا باعث

تشدید فاصله بین آن دو می شود.

اکنون ببینیم در تاثیر ستایش از مرد چه گفته اند:

مردی پس از کار سخت روزانه به خانه باز میگردد و می بیند که کود کانش صورت به شیشه پنجره

چسبانده اند و انتظار او را می کشند، از این اظهار محبت و ستایش خاموش، ولی گرانبهای آنان غرق در

شادی و امتنان می شود. و مجامله و ستایش و تعریف سختیهای زندگی را کمتر میکند و این

خصوصیت در زندگی زناشویی، بیش از هر جای دیگر قابل مشاهده است.

زن یا شوهری که درست بموقع کلام محبت آمیز خود را به طرف دیگر ابراز کنند، پیوند های

ازدواج را محکمتر ساخته اند و همانگونه که به نظر می رسد

زنان در این رابطه غریزه خاصی دارند و به اصطلاح از قلب خود به زندگی

نظر می کنند.

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

## برخورد با فرزندان و تربیت آنها

اسلام نسبت به اولاد و فرزندان و تربیت و مراعات امور مربوط به آنان با این دید

که آنان آینده سازان جوامع بشری هستند و اصلاح و افساد جامعه بدست آنان و

مرهون بافت وجودی و فکری آنهاست، به همین دلیل حساسیت بیشتری نشان داده است و دستورات

اکیدی صادر فرموده است .

در این میان تربیت اگر چه در ساختن فرزند نقش مهم و اساسی را ایفا میکند، لکن زمانی دارای اثر و

فایده است که اصالت خانوادگی نیز در فرزند وجود داشته باشد، درست مثل یک نهال و درختی که

اگر سالم و ریشه دار باشد، می توان با رسیدگی، اصلاح و تربیت آن انتظار بارور شدن و میوه دادن آن

را داشت و در غیر این صورت زحمات انسان به نتیجه مطلوب نمی رسد.

نقل شده که بین پادشاهی و وزیرش اختلافی بروز کرده بود، پادشاه می گفت: که با تربیت می شود

انسان را ساخت، اما وزیر اعتقاد داشت که اگر اصالت نباشد .

تربیت موثر نمی افتد. مدتها بحث می کردند اما به نتیجه ای نمی رسیدند، شاه برای آنکه می خواست به

هر نحو شده وزیرش را محکوم کند، دستور داد چند گربه را آموزش دهند تا وقتیکه سفره غذا

انداخته می شود هر کدام یک شمع بدست بگیرند

و بایستند و در حالی که دیگران غذا می خورند، آنها اصلاً توجهی به غذاها نداشته باشند وقتی خوب

آزموده شدند، دستور داد سفره ای انداختند اوازوزیر برای صرف غذا دعوت کرد، شاه با اشاره به

گربه ها یی که بی توجه به غذا ها شمع به دست ایستاده بودند به وزیر گفت: ای وزیر! تربیت می تواند گربه را هم بسازد، آیا نمی تواند سازنده انسان باشد؟ وزیر چیزی نگفت اما تقاضا کرد که روز دیگر نیز چنین سفره ای بگسترانند.

این بار وزیر باهوش چند عدد موش همراه خود بر سر سفره آورد، و همین که گربه ها آمدند و ایستادند، آهسته موشها را وها کرد. گربه ها با دیدن موش شمع ها را انداخته و بدنبال آنها دویدند. وزیر موقع را مناسب دید و به شاه گفت: دیدی که تربیت به تنهایی نمی تواند کسی را بسازد، بلکه اصالت ذاتی هم لازم است!!

تربیت زمانی موثر است و اثر سازندگی در انسان دارد که اصالت ذاتی و خانوادگی هم وجود داشته باشد، لذا اسلام بسیار تاکید دارد که همسرانتان را از

خانواده های اصیل، دیندار و فهمیده انتخاب کنید تا خمیر مایه هدایت و سازندگی در بچه های او باشد و بتوان با تربیت صحیح او را ساخت، چرا که مادر و شخصیت او پدر و وضع خانوادگی او و حتی پرستار و دایه ای که بچه را نگه می دارد و یا به او شیر میدهد. در بافت وجودی فرزند و به وجود آوردن اصالت روحی و ذاتی بسیار موثر است.

در همین رابطه یکی از بزرگان نقل کرده که چند روز قبل از شهادت آیت الله شیخ فضل الله نوری (که در جریان مشروطه به شهادت رسید) در زندان با او ملاقات کردم و گفتم: پسر شما خیلی لا ابالی است و بر ضد شما کار می کند.

شیخ شهید فرمود: این موضوع را من از پیش می دانستم. چون این پسر در نجف به دنیا آمد و مادرش شیر نداشت، لذا مجبور شدیم که برای شیر دادن او زنی را در نظر بگیریم. بعد از مدت زیادی که این کودک از شیر آن زن استفاده کرد، ناگهان متوجه شدیم که آن زن خیلی بی عفت و بی پرواست و

کینه امیر المومنین (ع) را در دل دارد، از همین زمان دریافتیم که سعادت مند شدن این پسر کاری مشکل است! (او همان کسی است که گفته اند پای دار پدر کف می زد. نور الدین کیا نورپرهربر حزب منحل توده-نوه مرحوم شیخ-فرزند همین پسر است).

نکته ای را که باید بدان توجه داشت این است که تربیت باید دارای اصول و روش صحیح و به دور از افراط و تفریط باشد. از یک طرف بی توجهی به تربیت اولاد ورها کردن او به حال خود و عدم

رسیدگی به بارور نمودن استعدادهای نهفته در وجود نوجوانان و از طرف دیگر سختگیری های بی مورد و افراط در محدود کردن فرزندان به اسم تربیت کردن صحیح و جلوگیری از آزادی معقول و تفریح سالم و وادار نمودن آنان در کوچکی به انجام اموری که برای سنین آنان مناسب نیست، به طور یقین اثرات سوو عواقب سخت و پشیمان کننده ای را در بر خواهد داشت.

نقل شده که پزشکی به تمام مقدسات اسلام توهین کرده و برخورد های زننده ای داشت و با اینکه در محیط اسلامی بزرگ شده بود، مسائل مذهبی را مورد استهزا قرار می داد. پس از تحقیق و بررسی روشن شد، که بیماری روحی این پزشک به سختگیری های پدرش در تربیت او مربوط می شد. او تعریف می کرد: پدرم هر روز صبح با چوب بالای سرم می آمد و مرا با کتک برای نماز بیدار می

کرد واگر

لحظه ای دیر بر می خواستم، با چوب برس و بدنم مینواخت.

به این ترتیب وی از دوران کودکی بر اثر برخورد غیر اصولی و غلط پدر، دچار عقده و بیماری روانی شده و در سنین بالا نسبت به دین و مقدسات مذهبی، بد بین گردیده بود به همین جهت اسلام اعتدال در همه امور حتی تربیت اولاد را مورد تاکید قرار داده است.

پس هر مسلمانی وظیفه دارد فرزند خود را مورد تربیت صحیح و عاقلانه قرار دهد تا نسلی سالم-آرام و متعهد تحویل جامعه گردد.

بنابر آنچه گذشت روشن شد، که اموری چون اصالت خانوادگی، محیط رشد و نمود کودک، دوستان و آشنایان و ازهمه مهتر، تربیت است که میتواند انسان را به صورتی ایده آل پرورش دهد و برای زیستنی سالم همراه با مسولیت پذیری اجتماعی آماده سازد.

از هر کس پرسید برای چه زنده است؟ و چرا در زندگی تا این حد در تلاش و تکاپو است؟ چرا خودش را این همه به رنج و مشقت می اندازد؟...

اکثریت قریب به اتفاق پاسخ خواهند داد: به خاطر بچه هایمان، برای اینکه فرزندانمان آینده نویدبخش داشته باشند، راحت و خوشبخت شوند و مرفه و موفق زندگی کنند.

معلوم نیست در این اعجوبه خلقت، به نام بچه چه رمزی نهفته است که به قول سعدی بزرگوار: ابر و باد و مه خورشید و فلک در کارند، تا او نانی به کف آورد و خوشبخت زندگی کند...

آیا تنها خوشبختی او در نانی به کف آوردن خلاصه می شود؟ و فقط رسیدن به رفاه زندگی بچه ها باید مورد نظر پدران مادران باشد؟ یا موارد دیگر و بس مهم هست، که باید پیش از تغذیه ترفیه کودک مورد توجه بگیرند به مرحله عمل در آیند تا فرزندان دلبنده ما، به طور همه جانبه در همه ادوار عمر خود موفق و مرفه سعادت مند زندگی کنند.

حتما متوجه شدید که منظور از این بحث این است که، ضمن پروردن جسم کودک پرورش روح و تربیت فکر، تکوین شخصیت والای او باید مورد توجه عمیق قرار گیرد. زیرا در هر مرحله ی از پرورش جسم فرزند لازم است که پرورش روح و تفکر او بر هر چیز مقدم باشد. مادامی که کودک از نظر روانی تحت تربیت صحیح قرار نگیرد و روان سالم در نیابد. پرورش جسم او ولو منجر به رسیدن او به مرحله ی قهرمانی در رشته های ورزشی باشد. ارزشی نخواهد داشت و او در زندگی خود موفق و خوشبخت نخواهد شد.

تکیه کلام هر پدر و مادی در برابر فرزندان این است که ما به گردن شما حق داریم، که شامل حق ایجاد، حق بزرگ کردن، حق تامین غذا لباس و وسایل زندگی حق مراقب تاز سرما و گرما و بیماریها، حق تعلیم و تربیت...

حال به بعضی از وظایف والدین نسبت به کودک اشاره می کنیم:

نامگذاری فرزندان: انتخاب نام مناسب برای کودک از وظایف و کارهای ابتدایی پدر و مادرش است،

هر پدر و مادی وظیفه دارد به محض تولد فرزندشان نامی مناسب در خور آسان تلفظ برای او

بگزینند، پدر و مادرش باید بدانند، نامی که انتخاب می کنند، برای تمام دوران های عمر فرزند

است و در هر سن و سالی باید مناسب باشد، بعضی از نامها برای زمان کودکی مناسب و شیرین و زیبا هستند و یا نامهای زیبا و کامل را در کودکی به صورت شکسته و ناقص به فرزند خطاب می کنند، به تدریج که فرزند بزرگ می شود، از لطافت و تناسب و برازندگی اسم واسم شکسته کاسته می شود و فرزند از اسم خود احساس حقارت و ناراحتی میکند.

تاثیر اسم در موقعیت اشخاص از نظر روان شناسی ثابت شده است. یعنی برخی از نامها به روی صاحب خود تاثیر مثبت می گذارد و او را در جامعه فردی با شخصیت و متین جلوه گر می سازد. بر عکس برخی از نامها فرزند را که تدریجاً بزرگ می شود، فردی سبک و لاابالی معرفی می کند. بنابراین در نامگذاری فرزندان باید دقت کافی به عمل آورد و نامی انتخاب کرد که، دارای معنا و مفهوم عالی و انسانی باشد و به صاحب نام بلند نظری و امید و خوش بینی در زندگی الهام بخشد. تکوین شخصیت فرزند: شخصیت اخلاقی افراد، از دوران کودکی آنها آغاز می شود و تدریجاً شکل می گیرد. چگونگی رفتار پدر و مادر نسبت به یکدیگر در روحیه فرزند آنها تاثیر زیاد دارد. در خانه ای که ادب و صمیمیت حکم فرما باشد، می توان کودک مودب و صمیمی و سالم تربیت کرد. بد بینی و خوش بینی فرزندان نیز از محیط خانواده سر چشمه می گیرد.

آنها مقلد خوبی هستند، کمتر کاری است که بزرگترها انجام بدهند و در فرزند اثر نگذارد. بعضی از خانواده ها به فرزندان خود اجازه می دهند که پدر و مادر و حتی آموزگار خود را با اسم وچک آنها صدا بزنند. آنها ظاهراً می خواهند، ارتباط صمیمانه ای بین خود و فرزندانشان برقرار کنند، اما با توجه به اینکه باید به فرزند یاد داد که برای بزرگترها احترام قائل باشد.

شایسته نیست که مثلاً کودک پدر و یا مادر خود را تقی یا مهین صدا کند، این مساله اثر روحی دارد و اگر فرزندان در خانه به والدین خود احترام نگذارند، نباید از آنها انتظار داشت که در خارج از خانه به دیگران احترام بگذارند.

از احساس حقارت فرزندان جلوگیری کنیم: فرزندان در سن و سال کم بیشتر میل به افزون طلبی دارند، هر چه را ببینند می خواهند و هر چه دیدند، می خواهند تصاحبش کنند. در دست هم سالان خود اسباب بازی و خوراکی هر چه ببینند، طلب می کنند و اصرار می ورزند.

در اینگونه موارد عکس العمل مابین است که می تواند این حس همه چیز خواهی و افزون طلبی او را تا حدی ارضا بکند.

حفظ شخصیت فرزند در پیش میهمانان: میهمانی بر ما وارد شده و می خواهیم از او پذیرایی کنیم. اگر فرزند ما هم همان جا نشسته است باید با او

عیناً مانند فرزند همان میهمان رفتار کنیم. یعنی هر طور از فرزند میهمان پذیرایی می کنیم، باید با

فرزند خودمان هم همان رفتار را داشته باشیم مگر اینکه در اینگونه موارد به تدریج با دادن مسئولیت

به خود فرزند او را مامور پذیرایی از میهمانان بکنیم که در این صورت خودش نسبت به خود هر طور رفتار کرد، باید قابل قبول باشد.

از برخورد نامناسب با سهل انگاری فرزندان بویژه در تحصیل پرهیزیم.

در باره ی نامطلوب بودن نتیجه ی امتحانات بعضی از دانش آموزان و عواقب ناگواری که این قبیل

موارد در خانواده ها پیش می آید، تا کنون نمونه های زیادی دیده و شنیده ایم که فلان شاگرد با

دریافت کارنامه ی تحصیلش به علت مردود شدن از ترس پدر و مادرش به خانه نیامد و فراری شد، یا

فلان دختر پس از بازگشت از مدرسه در اتاقش را بست و بیرون نیامد بعد از ساعتها که به زور در را

باز کردند و دیدن که با خوردن قرصهای خواب در حال احتضار است...

بهتر است در این مورد هم از نظر دیگران آگاه شویم که برخورد ما در این مواقع چگونه باشد؟

اگر معلم گزارش کار شاگرد را به خودش بدهد و نمراتش بد باشد، اواز خود نا امید می شود و در

ضمن اگر از والدین خود بترسد، واکنش شدیدی نشان می دهد تا جایی که ممکن است خود کشی

کند.

از ابراز تبعیض و افراط در محبت به کودکان خودداری کنیم:

بچه ها با استعداد های گوناگون و خواص و مشخصات مختلف هستند. حتی از فرزندان یک خانواده

هم هر کدام دارای نوعی استعداد و ویژگیهای اخلاقی است. بعضی از پدر و مادرها نا خود آگاه و

بدون قصد و غرضی یکی از بچه های خود را به علت دارا بودن بعضی شباهتهای خلقی و ظاهری

ویژه و استعداد و برتری، مورد توجه خاص قرار می دهند و این توجه روز به روز با بروز آن

خصوصیات در آن کودک و نبودن یا کم بودن آن در کودکان دیگر زیادتر و بارزتر می شود تا

حدی که در رفتار و گفتار و حتی پندار آنان بازتاب می یابد به طوری که همه اطرافیان به ویژه همه

کودکان متوجه امر می شوند. اعمال این قبیل کودکان اغلب مورد اغماض و کارهای بد سبکتر کودکان دیگر به شدت مورد مورد بازخواست قرار می گیرند.

آن کودک مورد توجه با مشاهده این همه علاقه و استقبال بجا یا نابجا در همه موارد نسبت به خود

تدریجاً تعادل روانی خود را از دست می دهد و فردی خودبین و خودخواه و خودبزرگ بین و افزون

طلب و لجوج و بد ... بار آمده خود را تافته جدا بافته می پندارد و همیشه می خواهد در خانه

به همه بچه ها و بعد به بزرگترها تحکم کند و با زور گویی و همیشه حق به جانب خود دانستن،

خواسته های خود را بر دیگران تحمیل کند.

بچه های دیگر نیز با درک این مطلب رفته رفته حس اعتماد بنفس را از دست داده و خود را فردی

عاجز و ناتوان و کمتر از دیگران تصور می کنند به هر کاری که دست بزنند با حس عدم اعتمادی که

نسبت خود دارند. موفق نخواهند شد احساس محبت و تعاون و برادریشان نسبت به همدیگر به نفرت و

کینه و نفاق بدل خواهد شد.

این موضوع به حدی در روحیه کودکان یک خانواده اثر می گذارد که برابر تحقیق راوشناسان

اجتماعی، پایه و اساس اغلب جنایتها در افراد بزهکار جامعه از همین تبعیضها و نابرابریها در

برخورداری از محبت و توجه پدر و مادرها بوده است.

لذا با قاطعیت به پدران و مادران توصیه می شود که به هیچ وجه در ابراز محبت و بذل توجه به بچه

های خود کمترین تبعیضی قائل نشوند و اگر قلباً هم یکی از بچه های شان را به عللی بیشتر از دیگران

دوست دارند. سعی کنند که این موضوع به ویژه برای فرزندان آنان معلوم و مشخص نباشد.

بیشتر تبعیضها و عدم تعادل در ابراز محبتها در مورد بچه های اول و دوم یا پسر یا دختر اعمال می شود که منتج به نتایج بسیار بد تربیتی و روانی می گردد. در این مورد روانشناسان بسیاری همچون (آلفرد دلر) چنین ذکر کرده است که: «... کودک یکی یکدانه بودن خود مشکل بزرگی است، زیرا

گاهی یک دفعه با وضعیت دیگری روبرو شده و باید وجود کودک تازه واردی را بپذیرد و عادت کند و بچه اول تنهاست و خیلی بیشتر به او توجه می شود. و در حقیقت او را بیشتر لوس میکنند. او که عادت کرده مورد توجه

همه ی خانواده باشد در مقابل خود شخص دیگری را می بیند که با همه چیز او شریک شده است و دیگر بچه منحصر به فرد نیست، بنابر این سعی خواهد کرد که توجه پدر و مادر را، که قبلاً منحصر به وی بود و احساس می کند کم شده، به هر وسیله ای باشد جلب نماید، هر گاه در چنین شرایطی توجه صحیح به آنها نشود در بزرگسالی دچار امراض روانی می شوند.

«اغلب معتادین و بزهدکاران از این دسته افراد هستند و آنها با وجود بچه دوم، خود را شکست خورده و فاقد همه چیز حس می کنند و این مسئله در زندگی آینده این قبیل کودکان اثر زیادی باقی می گذارد...»

«بعضی اوقات می بینیم که چون مادر واقعاً گرفتار بچه دیگر است، او را طرد می کند، بچه چه می کند؟ همان کار را می کند که اگر خود ما، در آن شرایط بودیم می کردیم، همین کار را می کند و در نتیجه حوصله مادر را سر می برد، (منظور از همین کار یعنی دفاع از منافع شخصی و مقابله با کسی

که به حریم ما تجاوز کرده است).

در این صورت کودک خسته شده و عکس العمل بیشتری را نشان می دهد و در نتیجه بیشتر احساس می کند که دیگران او را دوست ندارند و به او توجه خاصی ندارند.

او هم برای برای به دست آوردن محبت مادر می جنگد و از هر چیزی بهانه می گیرد ، بد خلقی می کند، و در نتیجه محبت را کمتر حس می کند و خلاصه کارهایش باعث می شود عقب بماند و حال آنکه وی خود را تبرئه می کند و می گوید که حق با اوست و دیگران مقصرند... به خصوص ، بچه اول پسر و دومی دختر باشد رقابت شدیدتر است ، چون پسر خود را در مقایسه رقابت با دختر می بیند و بیشتر دچار ناراحتی می شود.

در گیری بین دختر و پسر شدیدتر است تا بین دو دختر و یا بین دو پسر چون اصولاً بیشتر مورد حمایت قرار می گیرند و تا ۱۶ سالگی ، چه جسماً و چه روحاً ، خیلی سریعتر رشد می کند.

که در این رابطه یعنی تبعیض میان دختر و پسر در بحث های بعدی اشارات بیشتری خواهد شد و این موضوع را که از اهمیت بیشتری برخوردار است زیر ذره بین قرار خواهیم داد، و در پایان این بحث به این موضوع می توان اشاره کرد که هر چه در یک خانواده تعداد بچه ها بیشتر باشد ، در این صورت بچه ها چون کمتر مورد توجه والدین قرار می گیرند در نتیجه روابط بین فرزندان صمیمی تر می شود .

زیرا هنگامی که برادر یا خواهر خود را می بینند که گوشه نشینی می کند و از دیگران دوری می گیرند ، به قول خود بچه ها دل آنها به رحم می آید و این موضوع به وضوح در میان خانواده های پر جمعیت پیداست.

پیش همسالان بچه ها آنها را سرزنش و تنبیه نکنیم:

یکی از مسائل مهمی که در تربیت فرزندان باید در نظر داشت، این است که هیچگاه بچه را جلو همسالان و همکلاسان او به علت قصور و اشتباهش مورد سرزنش و عتاب و خطاب قرار ندهیم. زیرا عمیق ترین اثر بد را در زندگی آینده کودک می گذارد. دوستی می گفت: من در کلاس اول ابتدایی بودم روزی در محوطه مدرسه که با همکلاسیهای خود مشغول بازی بودیم، یک دفعه از دیوار کوتاه محوطه پدر یکی از بچه ها (که از بچه های بسیار باهوش و ساعی کلاس بود) سر برآورد و گفت: بچه ها جمع شوید و بر روی فلانی (اسم بچه اش را گفت) تف بیندازید چون دزدی کرده است.

اکنون نمی توانم مجسم کنم که آن روز تمام بچه ها چه حالی پیدا کردند. و چه نگاههای شیطنت بار یا ترحم آمیز به آن دانش آموز انداختند و او به چه حال و روزی افتاد و چه غوغایی در اندرونش بر پا شد.

اما آیا رفتار آن پدر به این صورت صحیح بود؟ یا برخورد منطقی این بود که به طور پنهانی و یا تذکر غیر مستقیم، خودش موضوع را با او (فرزندش) حل می کرد و یا در این مورد از آموزگار مربوطه کمک می

گرفت. بزرگترین اشتباه پدر و مادرها در تربیت فرزندانشان همین سرزنش کردن آنها در پیش همسالان و دیگران است، که باید به طور صریح با آن مقابله نمایند.

## با سیگار کشیدن فرزندان چگونه برخورد کنیم؟

امروزه یکی از مشکلات خانواده ها موضوع سیگار کشیدن فرزندان آنها میباشد. اینکه می گوئیم بچه

ها، واقعاً چنان است. در کوچه و خیابان و پارکها که می گذرید می بینید بچه ۱۰ تا ۱۲ ساله با چنان

غرور و تکبری سیگار روشن کرده و مشغول دود کردن آن است که گویی، قله اورست را فتح کرده

است و یا در رشته ای از علوم و ادبیات جایزه نوبل را برده است.

چه کنیم؟ آیا در برابرین چنین بچه ها، پدر و مادرها چه عکس العملی را دارند؟ آیا به طور دائم باید

مراقب ایگونه بچه ها بود؟ یا اینکه جیبهایشان را بگردند؟ به نظر من هیچ کدام از این تشددها و

ختگیریها، نه تنها از میل و علاقه او نمی کاهد، بلکه او را حریص تر و جسورتر هم می کند، کما اینکه

یکی از روانشناسان می گوید: بعضی از جوانان در این موقع (هنگام بلوغ یا کمی زود تر) شروع به

سیگار کشیدن می کنند، و شبها دیرتر به خانه می آیند، یعنی به طور غیر عادی حالت مبارزه با والدین

را پیدا می کنند. و پدر و مادر مبهوت می شوند که چه شده؟ و چه طور یک دفعه بچه مطیع و سربه راه

به این صورت درآمده؟ در حالی که این تغییر اساسی ناگهانی نیست.

« همیشه بچه هایی که بیشتر مطیع پدر و مادر بوده اند، اختلاف زیادتری حس میکنند. منتها این

احساس را فقط وقتی ظاهر می سازند که بزرگتر شده و در صدد کسب آزادی بیشتری هستند. یک

پسر که همیشه به دنبال پدرش بوده و ظاهراً بسیار آرام و مطیع به نظر می رسید، همینکه خود را بزرگ

و با قدرت حس می کند، با پدر به ستیزه برخاسته و خانه را ترک می کند. اصولاً بعد از بلوغ، فرزند

احتیاج به آزادی و استقلال بیشتری دارند و والدین باید بدانند که او دیگر دوست ندارد مثل کودکان

با او رفتار شود. اگر والدینی به ای موضوع اهمیتی ندهند و به رفتار خود ادامه بدهند به طور طبیعی اخلاق فرزند شدیدتر خواهد شد و در نتیجه آنها بیشتر یاغی گری درمی آورند... غالباً این حالت از سن ۱۴سالگی شروع و تا ۲۰سالگی ادامه دارد و گاهی دیده شده که بچه ها در ۱۱سالگی وارد دوران بلوغ شده اند...»

پسر را بر دختر ترجیح ندهیم: در خانواده های مشرق زمین، از اول رسم بوده که پدر و مادرو اطرافیان از تولد پسر راضی تر و خوشنودتر می شدند تا دختر. و اغلب هم ندانسته و نا آگاهانه موضوع را پیش بچه ها مطرح کرده اند. بعضی از مادران در به دختران در حالت عصبانیت می گفته اند: ای کاش به جای تو سنگی متولد می شد که این همه درد سر و سر شکستگی ها نمی داشت... با اینگونه برخوردها بزرگترین ضربه ها را به روحیه دختران بی گناه و پاکدل وارد می کردند. در این مورد به داستانی که در زیر آورده شده است توجه کنید:

«... دختری بود در خانواده های که پدر و مادر او زیاد باهوش و دانا نبودند، مادر از به دنیا آوردن دختر خیلی ناراحت بود و از تمام رفتارش این مسئله مشهود بود. دختر که بزرگتر شد مکرر شنیده بود که مادرش به پدرش می گفت: که کاش او پسر بود، حالا ما با یک دختری که زیبا هم نیست، چه خواهیم کرد؟»

« او با این وضع بزرگتر شد و در ۱۰سالگی نامه ای که یکی از دوستان مادرش نوشته بود به دستش افتاد، مندرجات نامه چنین بود: دختر داشتن هم این همه غصه ندارد، تو جوانی و میتوانی بچه دار شوی، که انشاءالله، فرزند دیگران پسر باشد.»

دختر با اطلاع از محتوای این موضوع به شهرستانی که خانه عمویش رفت و در آنجا با پسری آشنا شد که منجر به دوستی بین آنان شد که این دوستی زیاد هم دوام نداشت. و دختر هم به خاطر همین موضوع روحیه اش بسیار خراب شده بود تا جایی که او چند بار قصد خودکشی داشت.»

با توجه به این داستان والدین با از تبعیض میان دخترها و پسرها پرهیزند زیرا همانطور که از داستان پیدا بود، این عمل در روان دختر یا پسر بسیار تاثیر پذیر است.

### برخورد با پدر و مادر

شکی نیست که بهترین و ارزشمندترین نحوه برخورد انسان بعد از انجام فرامین خداوند متعال، در

برخورد با والدین و قدردانی از زحمات و رنجهای آنان تجلی می یابد، زحماتی که از دوران بارداری

تا پایان دوران شیر دادن در طول ۳۳ ماه شروع می شود و به اشکال دیگری تا سنین بالاتر و یا حتی تا

پایان عمر ادامه دارد.

قرآن کریم در این رابطه می فرماید: «وما سفارش کردیم به هر انسانی که در حق پدر و مادر خود

نیکی کند، مخصوصاً مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر باز

گرفته ( هر روز بر رنج و نا توانیش افزوده

گشته، ای فرزند در حق آنان بسیار نیکی کن) نخست شکر من (که خالق و منعم تو هستم) و سپس

شکر پدر و مادر را (که عهده دار انتقال نعمتهای من به تو می باشد)

بدون تردید اگر انسان به زحمات بی شائبه ای که والدین بدون هیچگونه توقع و چشمداشتی برای فرزندان می کشند، (به نحوی که گویی خود را وقف رسیدگی به اولاد نمود ه اند، اندکی توجه و تامل کند هرگز آنها را از یاد نمی برد و خود را موظف به اطاعت و احترام و تشکر از آنها می داند.

این مسئله امری بدیهی است که اگر شخصی کوچکترین نیکی و احسانی بنماید، انسان خود را ملزم به تشکر و احترام از او می داند، حال پدر و مادر کخ سنبل نیکی به فرزند هستند و از جان مایه می گذارند تا اولاد خود را پروراند، مسلماً سزاوار نیکی و احترام و قدردانی بیشتر می باشد.

خداوند متعال در قرآن کریم جایگاه نیکی و احترام به پدر و مادر را بلافاصله بعد از پرستش خود ونفی شرک و بت پرستی که مهمترین مساله در تمامی ادیان آسمانی است و هدف اساسی نهضت انبیاء الهی بر پایه آن دور می زند، ذکر می فرماید:

«و خدای تو حکم فرموده که جز او هیچکس را نپرستید و درباره پدر و مادر نیکی کنید...» سپس نحوه برخورد با والدین را صریحتر و روشن تر بیان نموده، میفرماید: «چنانچه هر دو یا یکی از آنها پیر و سالخورده شوند، که موجب رنج و زحمت شما باشند، کلمه ای که آنها را می رنجاند مگویید و کمترین آزاری به آنها مرسانید .

(و با گفتار لطیف و بزرگووارانه ) و با اکرام و احترام ، با ایشان سخن بگویید.»

و در آیه بعد می فرماید: «بالهای تواضع و تکریم خود را از روی محبت و مهربانی، نزدشان بگستران و بگو خداوندا چنانچه پدر و مادر، مرا در کودکی به مهربانی پرورند، تو در حق آنها رحمت و مهربانی

فرما.

موضوع احترام و صحبت کریمانه و نحوه برخورد صحیح با پدر و مادر مختص به والدین مومن

است، حتی اگر پدر و مادری هم کافر باشند، می بایست با آنان خوش رفتاری کرد، در ضمن اینکه

نباید دعوت آنان به کفر و الحاد را اطاعت نمود. و این دستور صریح خداوند است که: «و اگر پدر

و مادر تو را بر شرک به خدایی که آن را بر حق نمی دانی وادار کنند، در اینصورت دیگر امر آنان را

اطاعت مکن، لکن در دنیا با آنان به حسن خلق مصاحبت نما...»

نقل شده که در زمان پیامبر (ص) جوانی نزد آن حضرت آمد و عرض کرد که:

یا رسول الله، من مادر پیری دارم که مدتهاست به من اصرار می کند دست از دینم بردارم و من نپذیرفته

ام، حال چند روزی است که دست به اعتصاب غذای کامل زده و در بستر افتاده، و به من می

گوید: اگر بمیرم، تو که معتقد به قیامت هستی باید در آنجا جوابگو باشی، زیرا که تو باعث مرگ من

شدی، آیا باید خواسته او را در دعوت به شرک و کفر اطاعت کنم؟

حضرت فرمودند: خیر، در این مورد نباید از پدر و مادر اطاعت کرد. جوان خوشحال شده و به خانه

بازگشت و به مادرش که در بستر بود اظهار داشت که اگر در اثر این اعتصاب جانم را هم از دست

بدهی من دست از دینم بر نمی دارم و من مسئولیتی هم ندارم.

در میان فروع دین، جهاد در جایگاه ویژه های قرار دارد، و این حقیقتی وجدانی است که عقل و نقل

بر آن گواه است. ولی همین امر مهم و مقدس را تا زمانی که جنبه و جوب عینی پیدا نکند و کشور

اسلامی در خطر نباشد، نمی توان بدون اجازه و رضایت والدین انجام داد و با اینکار سبب ناراحتی

آنان گردید(البته در صورت خطر و وجوب جهاد،دیگر هیچ عذر و بهانه ای،حتی نارضایتی پدر  
مادر،پذیرفته نیست).

از امام صادق (ع)روایت شده که فرموده اند:مردی نزد پیامبر آمد و گفت:من جوان ورزیده ای هستم  
و جهاد را دوست دارم ولی مادری دارم که از رفتن من ناراحت شده و رضایت نمی دهد.

حضرت فرمودند:برگرد و نزد مادرت باش که انس یک شب مادر با تو از یک سال جهاد در راه خدا  
بهتر است.

با نگاهی به آیات و روایات در می اییم که مادر دارای مقام و احترام خاصی است و علت این مساله

بسیار واضح و روشن است،چون همانطوری که قرآن بطور صریح رنج های مادر را در دوران حمل و

وضع و شیر دادن اولاد یاد آوری می فرماید،براستی این مادر است که بار زحمات طاقت فرسا و

کمرشکن را بر دوش می کشد. امام صادق (ع)فرمودند:شخصی نزد پیامبر آمد و گفت:یا رسول

الله،من به چه کسی نیکی نمایم؟ حضرت فرمودند:به مادرت. پرسید:بعد از او به چه کسی نیکی

کنم؟پاسخ دادند:به مادرت. برای بار سوم آن شخص سوال کرد به چه کسی احسان نمایم؟ پیامبر

(ص)فرمودند:به مادرت.دیگر بار پرسید:بعد از مادر به چه کسی خوبی کنم؟فرمودند:به پدرت.در

روایت است که مردی مشغول طواف خانه خدا بود،مادرش را نیز بر دوش گرفته و طواف می داد،در

همان حال پیامبر(ص) را دید،از آن حضرت پرسید آیا با این کار،حق مادرم را ادا کرده ام؟ حضرت

فرمودند:خیر، تو با این کار حتی یکی

از ناله های او را هم (به هنگام وضع حمل) جبران نکرده ای.

### حال به چند از حقوق والدین بر فرزندان اشاره می کنیم:

اطاعت کردن از آنها در همه جا و نسبت به تمام اوامر آنها مگر در مورد شرک به خدا.

پدر را به نام وام کوچک صدا نزنند.

جلوتر از پدر راه نرود.

قبل از پدر در مجلس ننشینند.

در همه حال سپاسگذار آنان باشد، حتی در هم که گفتار و رفتار والدین مطابق میل او

نباشد.

کاری نکند که باعث بدبینی و بدگویی مردم نسبت به پدر شود.

در جلوی پای پدر و مادر به نشانه احترام بلند شود.

### بر خورد با خویشاوندان

یکی دیگر از مواردی که انسان می بایست چگونگی برخورد با آنها را بیاموزد، فامیل و خویشاوندان

هستند. در روایات اسلامی وارد شده که اقوام و خویشاوندان تو، اصل، ریشه، دست و بالهای تو

هستند (که با آن پرواز میکنی و بدانها نیازمندی)

پس آنها را اکرام و احترام کن و با آنان مراوده و رفت و آمد داشته باش. همچنین در این روایات به منافع و فواید بسیار زیاد صله رحم و رفت و آمد با خویشاوندان اشاره گردیده که ذکر بعضی از آنها بی مناسب نیست:

✓ - صله رحم بلا را دفع می کند و عمر را (تا ۱۰ برابر) طولانی می کند.

✓ - اخلاق را نیکو و ثروت انسان را زیاد می کند.

✓ - حساب قیامت را آسان می کند و خیر دنیا و آخرت را در پی دارد.

✓ - انسان را از گناه باز می دارد و باعث تزکیه اعمال می شود.

✓ - شهرها را آباد و فقر را از بین می برد...

صله رحم و دیدار با بستگان و اقوام به قدری مهم است و بر آن تاکید شده که اگر کسی برای تحقق

این امر، راهی یکساله را هم بپیماید ارزش دارد و اجر و ثواب زیادی بر آن مترتب است. البته حتما

لازم نیست که رفت و آمد بین اقوام و فامیل به گونهای باشد که باعث زحمت و گفتاری شود و

مخارجی را بدنبال داشته باشد، بلکه اگر به صورت ساده و بدون خرج و زحمت هم باشد، دستور اسلام

مورد عمل قرار گرفته است.

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرموده اند: حتی با یک سلام کردن دوستانه و گرم، و یا

با پاسخ دادن برادرانه و با تلطف و مهربانی می توان صله رحم را بجای آورد. در روایتی دیگر وارد

شده که نفس آزار و اذیت نکردن فامیل نیز، صله رحم حساب می شود و دارای همان آثار را خواهد داشت.

در اینجا ممکن است سوالی در ذهن انسان ایجاد شود که: گاهی بعضی از اقوام و خویشاوندان از ناحیه خودشان قهر می کنند و باعث قطع رفت و آمد می شوند. در این صورت آیا باز وظیفه است که همچنان به دیدارها ادامه داد و صله رحم نمود؟

پاسخ ما با استناد به منابع اسلامی این است که در اینگونه موارد نیز باید به سوی آنان رفت و به صله رحم با آنها را ادامه داد. قطع رابطه از طرف مقابل، مجوز برای انجام عمل از طرف دیگر نمی شود.

پیامبر در روایتی فرمودند: صله رحم بجای آور حتی با آن کسی از اقوام و خویشاوندان که با تو قطع ارتباط نموده، و با آن کسی که با تو بدی کرده با خوبی برخورد کن.

از سرور شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) نیز در این زمینه روایت شده که فرموده اند: دو قدم است که نزد خداوند از همه قدمها محبوب تر است: یکی قدم برداشتن مومن برای آنکه در برابر دشمن صفی ایجاد کند و جلوی او را سد کند، و دیگری گام برداشتن به سوی قوم و خویشی که رفت و آمد را قطع کرده است. توجه به فرمایش امام علیه السلام، می تواند بهترین راه عملی، برای ساختن افراد فامیل و جامعه باشد، چرا که آنها از مشاهده اینکه بدی آنان با خوبی و بزرگواری و لطف و محبت پاسخ داده شده است، شرمنده و خلجت زده می شوند و به اشتباه خود پی می برند.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که گاهی اسکان دارد وضعیتی پیش بیاید که انسان از نظر دینی

موظف به قطع ارتباط و رفت و آمد با بعضی از اقوام و فامیل بشود.

به عبارت دیگر، همین روایاتی که اینگونه با تاکید، سفارش به دیدار و برقراری روابط دوستانه و حسنه با اقوام و بستگان را نموده و حتی به آن امر کرده است، و این در جایی است که خویشاوندان انسان دارای خط فکر غلط و ضد دین باشند و در عمل هم بر ضد اسلام و نظام اسلامی، تحرکاتی داشته باشد (البته تنها داشتن سلیقه و فکر غلط ملاک نیست).

قطع رابطه پیامبر (ص) با بعضی از بستگان و فامیل مثل عموهایش که کمر به نابودی اسلام و انقلاب اسلامی آن حضرت بسته بودند، از همین مقوله می باشد.

شاید بتوان گفت که اینگونه افراد از حکم الهی در مورد صله رحم استثنا شده اند، و اطلاق عناوین

ارحام و اقوام و خویشاوندان بر آنان صحیح نیست، به دلیل اینکه خداوند در قرآن مجید فرزند فاسد و

منحرف حضرت نوح (ع) را جزو اهل و عیال او نمی داند و ارتباط فامیلی او را (ولو به صورت

حکمی) لغو می نماید.

در خاتمه این بحث، توجه خونندگان محترم را به این مسئله جلب می نمایم که: صله ارحام تنها

منحصر به اقوامی که در قید حیات هستند نیست، بلکه مردگان از اقوام را هم شامل می شود، یعنی رفتن

به مزار مردگان و اموات از ارحام، و انجام امور خیر و فرستادن خیرات و مبرات برای آنان نیز از

مصادیق صله رحم محسوب می گردد.

در روایتی آمده که امام صادق معنی و مفهوم آیه ۱۹ سوره رعد را اینگونه بیان کرده اند:

صله ارحام و مخصوصاً ارحام آل محمد صلی علیه و آله یعنی اهل بیت پیامبر می باشد. این روایت شامل ذریه رسول خدا (ص) و زیارت قبور امامان و امامزادگان نیز می شود. به همین جهت زیارت قبور سایر مومنین هم می تواند حکم صله ارحام را داشته باشد.

### کتابنامه

- ❖ - اخلاق در برخورد های اجتماعی - سید مهدی شمس الدین - انتشارات شفق
- ❖ - آداب معاشرت و راه زندگی - حسن انزلی - انتشارات انزلی
- ❖ - مکارم اخلاقی - شیخ جلیل رضی الدین ابی نصر الطبرسی - ترجمه: سید ابراهیم میر باقری
- ❖ - اخلاق - جورج ادوارد مور - ترجمه: اسماعیل سعادت
- ❖ - لغت نامه دهخدا - جلد ۳ - صفحه ۱۵۲۵ & ۱۵۲۶
- ❖ - فرهنگ معین - جلد اول - صفحه ۱۷۴
- ❖ - فرهنگ المنجد - جلد اول - صفحه ۲۶۳
- ❖ - اخلاق در خانه - استاد حسین مظاهری - جلد اول
- ❖ - مجموعه کتابهای خط سفید - رضا نعمتی مقدم & مهدی پسندیده
- ❖ - جامع السعادات - جلد ۲ - صفحه ۲۶۰
- ❖ - تفسیر نمونه - جلد ۱۲ - صفحه ۷۸

❖ - اصول کافی - جلد ۲ - صفحه ۱۵۹

❖ - چگونه معاشرت کنیم؟ - محمد تقی صالحی - چاپ اقبال

و السلام علیکم و رحمة الله.